

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: *Knut Mellenthin

برگردان از: م. ن.

۲۹ جنوری ۲۰۱۶

دائی های "داعش" (IS)

امریکا و اتحادیه اروپا از طریق بی ثبات ساختن دولت ها و مداخلات نظامی، در رشد، ترویج و گسترش تروریسم اسلامی مساعدت کردند.



جشن پیروزی: در ماه اگست هجوم "دولت اسلامی" داعش بر یک پایگاه نظامی در شمال شرق سوریه. در این جا رانندگی

مردان با پرچم سازمان تروریستی در نزدیکی شهر "تبکا" Tabka ۲۴ اگست ۲۰۱۴ - عکس از: Reuters- Stringer

نزدیک به پانزده سال است که امریکا و متحدانش "جنگ علیه ترور" را هدایت می کنند. در این مدت توانستند، مشکلی را که ظاهراً علیه آن مبارزه می کنند، به بخش های بزرگ جهان گسترش بدهند. مخالفانی که در برابر آنها، تا دوصد هزار نیروی ناتو مستقر شده بودند، چندین برابر قویتر و بیشتر شدند.

سازمان های مسلح اسلامگرا در حال حاضر - در کشور های عراق، سوریه، شبه جزیره سینا در مصر، لیبیا و کشور های دیگر منطقه، یمن، نایجریا و من جمله در کشور های همسایه نایجریا - پناهگاه هایی در اختیار دارند، که به آسانی نمی توان بر آن حمله کرد. صدها نفر از طرفداران "دولت اسلامی - داعش" در افغانستان و سومالیا عملیات های شان را انجام می دهند.

القاعده، که در آن زمان به حیث تروریسم شماره یک بین المللی محسوب می شد، حتی یک قلمرو از این نوع در اختیار نداشت. گرچه ناتو مداخله نظامی خود را در افغانستان به بهانه از بین بردن "پناهگاه امن بن لادن" و منع بازگشت وی آغاز کرد، و این بهانه را هرچند وقت، جهت تداوم حضور نیروهای نظامی خود در افغانستان، علنی تکرار می کند، اما واقعیت امر این است، که طالبان هیچ وقت نکوشیدند، که ایدیولوژی خود را توسط ترور یا به کمک گروه های تروریستی خارجی به تمام جهان صادر کنند.

زمانی که "بوش" بعد از حملات یازده سپتمبر ۲۰۰۱ از حکومت کابل تسلیمی بی قید و شرط "بن لادن" را خواستار شد، طالبان این خواسته را به کلی رد نکردند، بلکه صرفاً خواهان ارائه سند، جهت اثبات اتهامات امریکا علیه رهبر القاعده شدند. البته این تعجب آور نیست، که "بوش" حاضر به هیچ نوع معامله، حتی صحبت در این زمینه نبود: زیرا، اول این که، شکست نظامی دولت طالبان و اشغال طویل المدت افغانستان توسط حکومت امریکا - که تحت تأثیر "پژوهش" های انستیتوت هائی مانند "انستیتوت امریکائی انترپرایس AEI" قرار داشت - یک سال قبل از واقعه یازدهم سپتمبر با جزئیات تمام برنامه ریزی شده بود. دوم این که، دولت امریکا قادر به اثبات اتهام خود علیه القاعده، که گویا در برنامه ریزی این حملات [یازده سپتمبر] دخیل بوده است، نبود.

علیه "بن لادن" در ارتباط به یازده سپتمبر هرگز اقامه دعوائی صورت نگرفت، هرگز محاکمه ای علیه او دایر نشد، قتل وی در پاکستان توسط نیرو های ویژه ایالت متحده به تاریخ ۲ می ۲۰۱۱ - اگر اصلاً تمام این داستان واقعیت داشته باشد - یک فرمان قتل از جانب "بارک اوباما" بود.

بی ثباتی مناطق

یکی از پیشزمینه های مهم برای گسترش "داعش" و سازمان های مشابه، توسط امریکا و متحدان اروپائی آن در بخش های بزرگ آسیا و افریقا، بی ثبات ساختن دوامدار کشور هائی بود، که کمتر تحت تأثیر افراطگرایی مذهبی قرار داشتند و نسبتاً "سکولار" بودند. از این جمله در قدم اول عراق بود، که در ماه مارچ ۲۰۰۳ توسط نیرو های ایالت متحده و بریتانیائی مورد حمله قرار گرفت.

امروز، این کشور تا حدی تحت سلطه "داعش" قرار دارد و در شرایطی ست، که امکان بازگشت این کشور به یک دولت مشترک از سنی، شیعه و کُرد قابل تصور نیست. چندین میلیون انسان، از آن جمله تعداد زیادی از دانشمندان با شغل های مهم اجتماعی عراق را ترک کرده اند. شرایط زندگی زنان، به مقایسه با زمان قبل از از بین بردن دولت "بعث" توسط نیرو های ایالات متحده، به میزان قابل توجهی بدتر شده است.

این امر به طور مشابه در ارتباط به لیبیا و سوریه، همچنان در رابطه به قربانیان لشکرکشی های آینده امریکا - ناتو، به عربستان سعودی و سایر پادشاهی های شبه جزیره عربستان صدق می کند. در کشور لیبیا مداخله نظامی ناتو در ماه مارچ ۲۰۱۱ آغاز و در ماه اکتوبر به سرنگونی و قتل رئیس دولت "معمر قذافی" انجامید.

عواقب پیشبینی شده انحلال دولت مرکزی [لیبیا] تا امروز، یک هرج و مرج بین گروه های شبه نظامی، که گاه کنار هم و گاهی علیه یک دیگر می جنگند، همچنان سرازیر شدن سلاح و جنگجویان اسلامگرا از لیبیا به کشور های شمال افریقا است. مقدار زیاد سلاح و تعداد کثیری جنگجویان به سوریه نیز انتقال داده می شوند.

علاوه بر این، "داعش" و سازمان های مشابه به آن، از بهار سال ۲۰۱۲ محموله های سلاح دریافت می کردند، که عمدتاً توسط رژیم عربستان برنامه ریزی و پول خرید آن پرداخته می شده است. قرار گزارش "نیویارک تایمز" این ترانسپورت ها [انتقال سلاح ها] از کشور "کرواسی" بعد از انتخابات ریاست جمهوری در امریکا، اوایل ماه نومبر

۲۰۱۲ به تعداد چشمگیری افزایش یافت. در این "پل هوایی" طیاره های سعودی، اردن و قطر دخیل بوده اند. کشور ترکیه مدیریت بخش بزرگی از این سلاح ها و مهمات را به عهده داشته است. احتمالاً تنها حمایت مستقیم مشاورین ایرانی در جبهات و مداخله نظامی روسیه مانع فروپاشی دستگاه دولتی سوریه شده است.

در این زمینه نباید فراموش کرد، که یکی از تلاش های دیگر دولت امریکا، در بی ثبات ساختن و نابود ساختن یک کشور دیگر در منطقه بزرگ شرق میانه - شمال افریقا، به دلیل عدم توازن قدرت مردمی شکست خورد: در ماه فبروری ۲۰۰۵ در کشور لبنان تظاهرات های گسترده ای آغاز شدند، که ده ها هزار نفر از عیسویان و سنی ها در آن سهم گرفتند. رهبران این جنبش، که آژانس های تبلیغاتی غربی نام "انقلاب سرو" را برای آن اختراع کرده بود، شرکاء با دوستان آزموده شده و ثابت قدم دولت امریکا بودند.

این جنگ داخلی که به وضوح خواسته امریکا بود، به اثر بسیج توده ای بزرگی از شیعه ها توسط "حزب الله"، به وقوع نپیوست. "حزب الله" به طرف مقابل نشان داد که یک درگیری مسلحانه در بهترین صورت آن، به انهدام هردو طرف خواهد انجامید. بر اساس برآورد ها، به تاریخ هشت مارچ ۲۰۰۵ یک و نیم میلیون نفر از فراخوان "حزب الله" پیروی و در تظاهرات "بیروت" اشتراک کردند. به این ترتیب "انقلاب سرو" خاتمه یافت.

در ماه جولای ۲۰۰۶ اسرائیل با حمایت امریکا تلاش کرد، این شکست سیاسی [شکست انقلاب سرو] را به یک پیروزی نظامی تبدیل کند. با یک حمله نظامی علیه "حزب الله" متصل با حملات هوایی بالای شهر ها، خواست، انتشار را میان مردم لبنان به میان آرد، که منجر به منزوی ساختن شبه نظامیان شیعه گردد. این جنگ بعد از یک ماه با تلفات سنگین و عملیات های ناموفق نظامیان اسرائیل به پایان رسید.

"جورج دبلیو بوش" و "کوندولیزا رایس" وزیر خارجه در تأیید حملات اسرائیل بالای لبنان اظهار داشتند: "چیزی را که این جا می بینیم، یک نوع رشد درد زایمان یک شرق میانه جدید است. به خصوص، در هر کاری که ما می کنیم، باید متوجه باشیم، که ما به طرف یک شرق میانه جدید در حرکتیم و به عقب باز نمی گردیم".

این زمانی بود، که "بوش" و تیم او می خواستند، تا در نقاط مختلف جهان "انقلاب" های مصنوعی را آغاز کنند، و جنبش های توده ئی را تا حد زیاد قابل استحاله و تحریف می دانستند. حکومت های جدیدی در صربستان اکتوبر ۲۰۰۰، در گرجستان نومبر ۲۰۰۳ و در اوکراین به تاریخ نومبر ۲۰۰۴ به قدرت رسیدند. اما موازی به آن برنامه های کودتا، از جمله در ونزوئلا، ازبکستان، قرقیزستان و بلاروس به ناکامی انجامید. شاید به همین دلیل "اوباما" از همان آغاز ۲۰۱۱ در قدم اول، در لیبیا و سوریه حمایت از گروه های مسلح را ترجیع داد.

"دولت اسلامی" [داعش] در قرینه با گسترش آن، یک سازمان جنگجوی فوق العاده افراطی بنیادگرا و جوان است، اما در یک مدت کوتاه به طور شگفت انگیزی موفقانه تظاهر کرد. تحت نام "دولت اسلامی در عراق و الشام" فقط در اپریل ۲۰۱۳ به وجود آمده است. (الشام) تقریباً به مناطق امروزی سوریه اطلاق شود. از ۲۹ جون ۲۰۱۴ به این طرف این سازمان، از آن جایی که ادعای یک خلافت جهانی را دارد، خود را فقط "دولت اسلامی" می نامد. نزده روز قبل [از اعلام خلافت اسلامی] کنترل یکی از شهر های میلیونی شمال عراق (موصل) را به دست گرفت، که تا حال کسی قادر به اخراج آنها نشده است.

گسترش داعش



رئیس جمهور سابق امریکا "جورج دبلیو بوش". عملاً پهلوی گهواره داعش ایستاده بود.

وی "جنگ علیه ترور" را آغاز کرد، که ظهور اسلام گرایان را ممکن ساخت. اینجا "بوش" سربازان خود را خوش

آمد می گوید. (ویرجینیا ۰۷ دسمبر ۲۰۰۱) عکس از: Reuters-Vin McNamee

به دنبال اولین اعلامیه "داعش"، اعلامیه های متعددی از سازمان های موجود، یا از جانب افراد و گروه های منشعب منتشر شد. نظر به تیورئی که در عقب [این اعلامیه ها] نهفته بود، همه باهم یک دولت متشکل از مناطقی که از نگاه جغرافیائی باهم وصل نیستند، می سازند. سازمان ها یا گروه های بزرگتر به عنوان "ولایات داعش" شناخته خواهند شد. در حال حاضر احتمالاً مهم ترین بخش های "داعش" – جدا از سرزمین اصلی آن سوریه-عراق- در لیبیا، مصر، نیجریه، افغانستان، سومالیا و در نوار غزه حضور دارند.

در کشور لیبیا یکی از شاخه های "داعش" در یک مساحت در حدود دوصد الی دصدها کیلومتر - واقع در شرق و غرب بندرگاه ساحلی شهر "سیرته"- حکمرانی می کنند. این شاخه داعش ابتداءً عمدتاً متشکل از لیبیائی های بازگشته از جنگ در شرق میانه بودند، که در ماه های اکتوبر یا نومبر ۲۰۱۴ ابتداءً در شهر یرنه مستقر شدند، اما توسط شبه نظامیان محلی از آنجا بیرون رانده شدند.

این گروه در ماه های فبروری و اپریل ۲۰۱۵ توسط دو مرتبه اعدام های دسته جمعی و سربریدن حدود پنجاه تن مصری و عیسویان مصری و نشر ویدیو های آن در اینترنت، توجه بین المللی را برانگیخت. گرچه این تروریست ها قبلاً نیز با حمله بالای یک هتل لوکس به نام Corinthia در طرابلس (پایتخت لیبیا) به تاریخ ۲۷ جنوری ۲۰۱۵ توجه بین المللی را به خود جلب کرده بود: اینها ۹ نفر را، از جمله چندین خارجی را کشتند. در ماه جون شهر سیرته/لیبیا را اشغال کردند و در ماه اگست یک قیام مردمی را با خشونت و بیرحمی بی شایبه سرکوب کردند.

تعداد جنگجویان "داعش" در شهر سیرته و نواحی آن، به صورت عموم دوهزار الی سه هزار تخمین می شود. با توجه به این واقعیت، اشغال و نگهداری منطقه از چندین ماه به این طرف، توسط این تعداد کم [جنگجویان] باورنکردنی و شگفت انگیز است.

از ۲۹ دسمبر به اینطرف گزارش داده می شود، که گروه "داعش" در شهر سیرته/لیبیا، ظاهراً توسط مدیریت مرکزی، که جایگاه آن در سوریه یا عراق حدس زده می شود، با ارسال جنگجویان ازین کشور ها [سوریه و عراق] تقویت می شود. منابع مالی این گروه ممکن است، نیز از همین منبع تأمین شود. به سختی به نظر می رسد، که این گروه منبع مالی از خود – مثلاً از طریق فروش نفت- داشته باشد.

مهمترین مخالفین "گروه داعش لیبیا" شبه نظامیان محلی اند، که از گسترش بیشتر این گروه جلوگیری می کنند، گرچه برخی از آنها [شبه نظامیان محلی] بنیادگرا اند، اما نه مانند "داعش" با اعمال افراطگرایانه و بدون خواسته های بلندی

که، ترور را به کشور های دیگر پخش کنند. اگر شبه نظامیان محلی خلع سلاح و منحل شوند – طوری که امریکا و اتحادیه اروپا مطالبه دارند و [این هدف را] به پیش می برند ، یک خلاء به نفع "داعش" به وجود خواهد آمد. در کشور همسایه - مصر - "داعش" دارای مخفیگاه های متعدد، به خصوص در اراضی غیر قابل دسترس شبه جزیره سینا می باشد. در اصل یکی از قدیمی ترین سازمان های اسلامی ست، که نومبر ۲۰۱۴ تغییر نام کرد و به "داعش" تحت عنوان "ولایت سینا" پیوست. نظامیان دولتی مصر نبرد مسلحانه شدیدی را آنجا به راه انداخته اند، که تا حال به موفقیت پایدار دست نیافته اند، اما گفته می شود، که اضافه از شش صد عسکر جان شان را [درین نبردها] از دست داده اند. "داعش مصر" قادر به عملیات هائی بیرون از شبه جزیره سینا نیز است – مانند قتل خانونال کُل "هاشم برکت" در جون ۲۰۱۵ در قاهره.

در مقابل، "داعش" در غزه، ظاهراً فقط یک مزاحمت و خطر برای "حماس" است. تعداد پیروان آن - اکثراً اعضای سابق "حماس" و سازمان های بنیادگرای دیگر - مشخص نیست. در سال گذشته تقریباً بیست حمله نچندان قابل توجهی انجام دادند، که بسیاری آن علیه مواضع "حماس" بود.

این گروه رسماً به سازمان مرکزی "داعش" وابسته نیست. مخالفان سیاسی اصلی آن "حماس" و "جنبش ملی فلسطین" است. در یک ویدیوی پروپاگند علیه "حماس" رسماً اعلام کردند، که هدف از جهاد، آزادی کشور نیست، بلکه تطبیق شریعت است. در واقعیت، این عمل به نفع اسرائیل تمام می شود. امکان دارد که این گروه در لحظه ای مناسب با فیر یک راکت، به حکومت اسرائیل بهانه ای برای جنگ [علیه فلسطین] فراهم کند.

شرایط یا ترکیب مشابه در افغانستان نیز جریان دارد، جایی که شاخه "داعش" تقریباً به طور مشخص به طالبان ضرر می رساند. این گروه "ولایت خراسان" را مدیریت می کند – یک نام تاریخی که [بخش هائی از] افغانستان و قسمت هائی از پاکستان را در بر می گیرد. ظاهراً چندین صد از اعضای سابق به اصطلاح طالبان پاکستانی، که در دو الی سه سال اخیر به جناح های مختلفی تقسیم شدند، به "داعش" پیوستند. اقدام های مستقلانه تا فعلاً به این گروه نسبت داده نشده است.

همچنان از افغانستان نیز هر چند گاهی گزارش داده می شود، که ده ها الی صد ها نفر مخالفین دولت، گویا به "داعش" سوگند تابعیت یاد کرده اند؛ در میان آنها شمار زیادی از جنگجویان خارجی حضور داشته است: ازبکستانی ها، تاجکستانی ها، پاکستانی ها و افرادی از قفقاز روسی. تمرکز "داعش افغانستان" بیشتر بالای ولایت فاریاب، واقع در شمال کشور است، ولایتی که قبلاً تحت صلاحیت نظامیان المانی قرار داشت. در حالی که طالبان طی سال گذشته بسیار موفق بوده اند، اما از فعالیت های "داعش" چیزی شنیده نشده است.

رقابت میان سازمان های تروریستی

از خلاء قدرت و جنگ داخلی که در کشور یمن ، در اثر مداخلات نظامی عربستان سعودی از اخیر مارچ ۲۰۱۵ به این طرف ایجاد شده، "داعش" مانند "القاعده" سود می برد، اما بسیار کمتر از "القاعده". "القاعده" منطقه وسیعی را در جنوب یمن با مهم ترین بندرگاه بحری "موکالا" در اختیار دارد. ظاهراً مخالفان محلی درین منطقه ندارد. با جریان های قوی جدائی طلبان در بعضی زمینه ها یکجا کار می کند. "قلمرو القاعده" از حملات نیرو های عربستان سعودی در امان است، شهر **موکولا** از محاصره بحرئی خیلی مؤثر عربستان معاف است. امکان دارد که، به تازگی جنگجویان خود را از جنوب به شمال [یمن] انتقال داده باشد، تا در ائتلاف با عربستان در جنگ علیه شیعه ها و متحدان آنها- نیرو های نظامی دولت یمن- سهم بگیرند.

در مقابل، اعضای "داعش" - احتمالاً بیشتر اعضای سابقه "القاعده" - هنوز خیلی کم اند. فعالیت اصلی شان بـمـگذاری در مساجد یمن و همچنان در عربستان سعودیست. در ضمن، "داعش" همان ستراتیژی را تعقیب می کند، که در عراق تعقیب می کرد: تحریک کردن واکنش شیعه ها، به هدف به راه انداختن یک "جنگ مذهبی" بین گروه های مختلف. آنطرف خلیج عدن- کشور سومالیا- سازمان شبه نظامی "الشباب" وجود دارد. ازین سازمان گروه های کوچک چند صد نفری انشعاب کرده اند. هواداران سابقه این سازمان اغلباً به "داعش" می پیوندند. از نگاه نظامی، این انشعابیون تا حال چندان مهم نیستند. "الشباب" به غیر از کشور همسایه کینیا، هیچ عملیاتی در خارج از کشور انجام نمی دهد و نه آن را تشویق می کند.

همچنان کشور کینیا زمانی مورد هدف حملات قرار گرفت، که در ماه اکتوبر ۲۰۱۱ نیرو های نظامی خود را به کشور سومالیا فرستاد، تا در یک اتحاد نظامی بین المللی شرکت کرده و یک دولت دست نشانده ای در جنوب این کشور [سومالیا] نصب گردد. در حال حاضر به تعداد بیست و دو هزار عساکر کشور های کینیا، بوروندی، اتیوپی، مصر و جیبوتی در کشور سومالیا مستقر اند. آنها از یک دولت نامشروع دفاع می کنند. از آغاز جنگ های داخلی درسال ۱۹۹۱ به این طرف هیچ انتخاباتی دراین کشور صورت نگرفته است. همچنان رأی گیری که برای امسال وعده داده شده بود، مطمئناً باز هم صورت نخواهد گرفت. ایالت متحده امریکا و اتحادیه اروپا از جنگ علیه "الشباب" حمایت می کنند، چه از نگاه مالی، چه توسط ارسال سلاح و چه از طریق مربیان نظامی. با کدام حق و با کدام دور نمای طویل المدت سیاسی، هنوز مشخص نیست.

در غرب افریقا، "داعش" متحدانی در کشور نایجریا، یکی از پُرجمعیت ترین کشورها در این قاره به دست آورد - از زمانی که سازمان بنیادگرای "بوکوحرام" در ماه مارچ ۲۰۱۵ به "داعش" پیوست. لاقلاً این طور وانمود می شود. تغییرات مهم جنگی توسط "الشباب" تا حال به نظر نمی رسد.

امریکا و اتحادیه اروپا در صدد بین المللی ساختن این مناقشه، توسط مداخلات نظامی از جانب کشور های متحد خود در منطقه، می باشند. چنانچه در کشور سومالیا همین طور عمل کردند. عملاً این [تاکتیک امریکا و اتحادیه اروپا] به گسترش فعالیت های نظامی "بوکو حرام" به کشور های کامرون، نیجر و چاد منجر شد. درخود نایجریا باید این سازمان [الشباب] لاقلاً شش هزار جنگجو داشته باشد. آنها در چندین منطقه غیر قابل دسترس در شمال کشور، عقب نشینی می کنند، که مساحت آن تخمیناً در حدود بیست هزار کیلو متر مربع - کمی کوچکتر از ایالت فدرال زکسن/المان- است.

سازمان های دیگری اسلامی در منطقه - به ویژه در کشور مالی و بوکینافاسو- تا حال خود را به حیث هواداران یا متحدین "داعش" معرفی نکرده اند، بلکه بخشی از "شبکه القاعده" به جا مانده اند. در اخیر امر این تفاوت چندان مهم به نظر نمی رسد، زیرا "داعش" به دلیل ایدئولوژی قاطع و سرکوبگرایانه، به دلیل تبلیغ کشتار های بی رحمانه در رسانه ها و به دلیل منابع بزرگ مالی، که ظاهراً هنوز هم در اختیار آنها قرار داده می شود، شانس بهتری را در مبارزه رقابتی بین سازمان های تروریستی دارا می باشد.

لینک مقاله به زبان المانی:

, Seite 12 / Thema [Ausgabe vom 22.01.2016](http://www.jingewelt.de) - <http://www.jingewelt.de>

* "کنوت ملننهین" یک ژورنالیست آزاد است. وی درین صفحات به تاریخ هشت اکتوبر ۲۰۱۵ در رابطه به پذیرش پناهندگان در کشور های دیگر نوشت.